

پیش‌بینی میزان دینداری نوجوانان بر اساس دینداری والدین و الگوهای ارتباطی خانواده

فریده سادات حسینی^۱

استادیار روان‌شناسی دانشگاه خلیج فارس بوشهر

بهنام جمشیدی سلو کلو

دانشجوی دکتری روان‌شناسی دانشگاه شیراز

محمد مزیدی

دانشیار بخش مبانی تعلیم و تربیت دانشگاه شیراز

چکیده

این پژوهش به منظور پیش‌بینی دینداری دانش‌آموزان دوره‌های راهنمایی و دبیرستان شهر شیراز بر اساس دینداری والدین و الگوهای ارتباطی خانواده صورت گرفت. جامعه آماری پژوهش، شامل همه دانش‌آموزان دوره‌های راهنمایی و دبیرستان شهر شیراز بود که تعداد ۳۸۲ نفر (۱۶۰ دختر و ۲۲۲ پسر) از آن‌ها به روش خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شدند و پرسش‌نامه دینداری (گلاک و استارک، ۱۹۶۵)، پرسشنامه تجدیدنظر شده الگوهای ارتباطی خانواده (کوئرنر و فیتزپاتریک، ۲۰۰۲) و پرسشنامه محقق ساخته دینداری پدر و مادر را تکمیل کردند. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از رگرسیون چندگانه سلسله‌مراتبی حاکی از آن بود که دینداری پدر و مادر پیش‌بین مثبت و معنی‌داری برای دینداری دانش‌آموزان بود. الگوی ارتباطی گفت و شنود نیز پیش‌بین مثبت و معنی‌داری برای دینداری دانش‌آموزان بود. الگوی ارتباطی هم‌نوایی پیش‌بین معنی‌داری برای اغلب ابعاد دینداری نبود؛ اما برخی ابعاد را به طور منفی پیش‌بینی می‌کرد. تعامل دینداری پدر و الگوی ارتباطی گفت و شنود پیش‌بین مثبت و معنی‌داری برای برخی از ابعاد دینداری بود. هم‌چنین تعامل دینداری مادر و الگوی ارتباطی هم‌نوایی، پیش‌بین منفی و معنی‌داری برای برخی از ابعاد دینداری بود. در مجموع هر سه فرضیه تحقیق تأیید شد و یافته‌های حاصل

^۱ نویسنده مسئول

آدرس پست الکترونیکی: fsadathoseini@yahoo.com

آدرس پستی: ایران، بوشهر، دانشگاه خلیج فارس، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، کد پستی: ۷۵۱۶۹-۱۳۷۹۸

وصول: ۱۳۹۴/۰۲/۱۸ - پذیرش: ۱۳۹۴/۰۹/۰۵

در پرتو شواهد موجود مورد بحث و بررسی قرار گرفته، پیشنهادهایی جهت هدایت پژوهش‌های آینده ارائه شد.

واژه‌های کلیدی: دینداری والدین، الگوی ارتباطی، دانش‌آموزان.

Prediction of students' religiosity by parents' religiosity and family communication patterns

Hosseini, F., Jamshidi, B., Mazidi, M.

(Received; 8 May, 2015-Accepted; 26 Nov, 2015)

Abstract

This research aims to predict the adolescence' religiosity by the parents' religiosity and family communication patterns in middle and high school students. Statistical populations were all high and middle school girls and boys of Shiraz city. Participants were 382 (160 girls and 222 boys) who were selected via clustered random sampling and were asked to complete the Glock and Stark's religiosity questionnaire, The revised questionnaire of family communication patterns(Koerner & Fitzpatrick, 2002) and the adolescent's religiosity questionnaire that designed by researcher. The data was analyzed by hierarchy regression. Result showed that mother and fathers' religiosity positively predict adolescent's religiosity; family communication patterns of conversation predict adolescent's religiosity positively. The results also revealed that although conformity family communication pattern couldn't predict many of the dimensions of adolescent's religiosity, but it can predict some of dimensions negatively. The interaction of fathers' religiosity and conversation family communication pattern was the positive predictor of some dimensions of adolescent's religiosity, and the interaction of mothers' religiosity and conformity family communication pattern was the negative predictor of some dimensions of adolescent's religiosity. In total all three hypothetic were proved and the finding was discussed in line with current research and some suggestions were presented for future research.

Keywords: parents' religiosity, communication patterns, students.



مقدمه

هر اجتماع برای بقا و تداوم خود، تلاش می‌کند تا گنجینه تجارب ارزشمند خود را از نسلی به نسل دیگر انتقال دهد. فرایند انتقال فرهنگی^۱ مستلزم آن است که اعضای جامعه، ارزش‌های فرهنگی، مذهبی و نظایر آن را درونی‌سازی^۲ کنند (ریان، ریگی و کینگ^۳، ۱۹۹۳ به نقل از مزیدی و استوار، ۲۰۰۶). به درونی‌سازی ارزش‌ها در نظریه‌های مختلفی توجه شده است؛ اما نظریه خودتعیینگری دسی و ریان یکی از نظریه‌های پویا و نویدبخش در این زمینه است. مطابق با این نظریه، آدمی گرایش قوی و ذاتی برای یادگیری و جذب فعال دانش و آموزه‌های فرهنگی و اجتماعی دارد (راگاف^۴، ۲۰۰۳ و دسی^۵، ۱۹۹۵؛ به نقل از ریان و دسی، ۲۰۰۹). این گرایش برخاسته از سه نیاز اساسی روان‌شناختی است که نیروی لازم برای یادگیری و رشد را فراهم می‌کنند و سلامت و بهزیستی آدمی مستلزم ارضای آنهاست. این نیازها شامل نیاز به استقلال^۶، شایستگی^۷ و ارتباط^۸ است (دسی و ریان، ۲۰۰۰ به نقل از نی، هادن، پورتر و رودیگوئز^۹، ۲۰۱۳).

استقلال به معنای آن است که شخص خود را منشأ رفتارهای خویش بداند و اعمال او تحت تسلط و اراده خود او باشند و نه عوامل کنترل‌ناپذیر درونی یا بیرونی. شایستگی به احساس کارآمد بودن در ایجاد پیامدهای مطلوب با اتکا به ظرفیت‌های خود اشاره دارد و ارتباط به احساس درک شدن، فهمیده شدن و مورد توجه و مراقبت دیگران بودن و نیز احساس تعلق به دیگران اشاره دارد (ان‌جی، ان‌تومانیس، تاگرسن-ان‌تومانیس، دسی، ریان^{۱۰}، ۲۰۱۲).

1. cultural transmission

2. internalization

3. Ryan, Rigby & King

4. Rogoff

5. Deci

6. Autonomy

7. competence

8. relatedness

9. Knee, Hadden, Porter, & Rodriguez

10. Ng, Ntoumanis, Thøgersen-Ntoumani, Deci, Ryan, et al.

در نظریه خودتعیینگری از انگیزش ذاتی برای یادگیری و رشد در قالب انگیزش درونی و درونی‌سازی بحث می‌شود. چنانچه انجام یک فعالیت، موجب ارضای نیازهای روان‌شناختی (به ویژه استقلال و شایستگی) شود، شخص برای انجام آن فعالیت دارای انگیزش درونی خواهد بود. از طرفی در شرایط مناسب اجتماعی، فرایند درونی‌سازی نیز به صورت خودانگیخته رخ می‌دهد. به عبارت دیگر افراد زمانی رفتارها و ارزش‌های دیگران را درونی‌سازی می‌کنند که احساس کنند با آن‌ها مرتبط هستند (ریان و دسی، ۲۰۰۹). مطابق با نظریه خودتعیینگری محیط اجتماعی فرد، به ویژه خانواده با ارضای نیازهای اساسی روان‌شناختی و یا ممانعت از آن می‌تواند نقش مهمی در خودتعیینگری کودکان داشته باشد (رودریگویز و کاوندیش^۱، ۲۰۱۲).

در پژوهش حاضر با اتکا به نظریه خودتعیینگری فرض می‌شود چنانچه والدین از الگوی ارتباطی مناسبی برخوردار باشند و خود نیز به ارزش‌های دینی پایبند باشند، می‌توانند موجب درونی‌سازی ارزش‌های دینی در فرزندان شده و متعاقباً میزان دینداری آنان را افزایش دهند. بنابراین بر اساس پیش‌بینی‌های نظریه می‌توان انتظار داشت میزان دینداری والدین و الگوهای ارتباطی آن‌ها به صورت تعاملی بر دینداری فرزندان تأثیرگذار باشد.

مطابق با نظریه الگوهای ارتباطی خانواده^۲، خانواده‌ها برای حفظ کارکرد بهینه خود در شرایط متغیر، لازم است یک واقعیت اجتماعی مشترک ایجاد کنند تا اعضای خانواده به کمک آن به درک مشترکی از یکدیگر و نیز از رویدادها و وقایع برسند. دستیابی به یک واقعیت مشترک، شانس ایجاد تفاهم بین اعضای خانواده را بیشتر کرده و به تعاملات اثربخش‌تر و کاهش عدم توافق و تعارض منجر می‌شود (کوئرترن و فیتزپاتریک^۳، ۲۰۰۶). دستیابی به این واقعیت مشترک عمدتاً از طریق دو جهت‌گیری عمده انجام می‌شود: جهت‌گیری گفت‌و شنود^۴ و جهت‌گیری هم‌نوایی^۵ (کوئرترن و

1. Rodriguez & Cavendish
2. family communication patterns
3. Koerner & Fitzpatrick
4. conversation
5. conformity



فیتزپاتریک، ۲۰۰۶). خانواده‌هایی که بر گفت‌و شنود تأکید می‌کنند، اعضای خود را تشویق می‌کنند تا افکار، احساسات و عقاید خود را به اشتراک بگذارند تا از دیدگاه‌های یک‌دیگر مطلع شوند. در عوض خانواده‌هایی که بر هم‌نوایی تأکید می‌کنند، از همه اعضا انتظار دارند که دیدگاه یکسانی نسبت به موضوع داشته باشند. این دیدگاه مشترک اغلب به وسیله اعضای مسلط و تأثیرگذار خانواده نظیر مراجع قدرت تعیین می‌شود (سامک، رویترو و مارتا^۱، ۲۰۱۱).

شواهد پژوهشی مؤید آن است که والدین نقش مهمی در انتقال باورها و ارزش‌های مذهبی به فرزندان دارند. به عنوان مثال بررسی داده‌های ملی (اسمیت و دنتون^۲، ۲۰۰۵ به نقل از لئونارد، کوک، چریس، کیمبل و فلانگان^۳، ۲۰۱۳) نشان داده است که بسیاری از نوجوانان آمریکایی باورهای مذهبی والدین خود را الگو قرار می‌دهند. در مطالعات همبستگی نیز بین دینداری والدین و نوجوانان همبستگی مثبت یافت شده است (بویاتزیس^۴، ۲۰۰۵؛ فلور و ناپ^۵، ۲۰۰۱؛ اسمیت، ۲۰۰۳؛ همگی به نقل از لئونارد^۶ و همکاران، ۲۰۱۳). گونو و مور^۷ (۲۰۰۲؛ به نقل از باری، نلسون و داواریا^۸، ۲۰۱۰) دریافته‌اند که دینداری بزرگسالان جوان آمریکایی به بهترین وجه به وسیله حضور الگوی مذهبی در طی دوران کودکی و نوجوانی پیش‌بینی‌پذیر است. مهم‌ترین این‌ها دریافته‌اند بیشتر محتمل است افراد مذهبی مادران مذهبی داشته باشند.

کودکان از طریق مشاهده رفتارهای والدین، به تعهدات مذهبی آنان پی می‌برند؛ اما صرف وجود الگوهای مذهبی کافی نیست. مطالعات متعدد نشان می‌دهند روابط گرم و سبک فرزندپروری مقتدر می‌تواند تأثیر آموزه‌های مذهبی خانواده را افزایش دهد (هاردی، وایت، ژنگ و راجتی^۹، ۲۰۱۱). ابار، کارتر و وینسلر^۱ (۲۰۰۹) دریافته‌اند که سبک

1. Samek, Rueter & Martha

2. Smith & Denton

3. Leonard, Cook, Chris, Kimball, & Flanagan

4. Boyatzis

5. Flor & Knapp

6. Leonard

7. Gunnoe and Moore

8. Barry, Nelson, & Davarya

9. Hardy, White, Zhang, & Ruchty

فرزندپروری مقتدر^۲ رابطه مثبت و معنی‌دار و سبک فرزندپروری مستبد^۳ رابطه منفی معنی‌داری با دینداری دانش‌آموزان داشتند. دادلی^۴ (۱۹۷۸)؛ به نقل از ورمیر، جانسن و اسکیرز^۵، (۲۰۱۲) دریافت که حتی در خانواده‌های مذهبی، شیوه‌های خشن و استبدادی فرزندپروری با تعهد مذهبی فرزندان، رابطه منفی دارد.

هم‌چنین معلوم شده است ارتباطات باز و دوجانبه که در آن به دیدگاه‌های فرزندان احترام گذاشته می‌شود، می‌تواند موجب افزایش ایمان نوجوانان شود (دولاهیت و تات‌چر^۶، ۲۰۰۸). از طرفی نوجوانانی که والدین آن‌ها برای جامعه‌پذیری از نیروی اجبار استفاده می‌کنند، کمتر محتمل است که در بزرگسالی به انجام اعمال مذهبی مبادرت ورزند (هوگ، جانسون و لویدنس^۷، ۱۹۹۳؛ به نقل از باری و پادیلایا-والکر، ۲۰۱۲). لئونارد و همکاران (۲۰۱۳) به بررسی میزان دینداری نوجوانان و ارتباط آن با دینداری والدین پرداختند. یافته‌ها نشان داد میزان دینداری نوجوانان با دینداری والدین همبستگی داشت. با این حال حمایت والدین و روابط پویای والد-فرزندی بیشتر از میزان دینداری والدین بر دینداری فرزندان مؤثر بود.

در ایران، صادقی، مظاهری و حیدری (۱۳۸۵) به بررسی رابطه میزان مذهبی بودن والدین و تصور از خدا در بین دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی پرداختند. نتایج حاکی از آن بود که میانگین همه خرده‌مقیاس‌های تصور از خدا در مواردی که آزمودنی‌ها میزان مذهبی بودن هر دو والد خود را بالا ارزیابی کرده‌اند، بیشتر است. هم‌چنین معلوم شد تصور از خدا در افرادی که میزان دینداری والدینشان بالا بود، مثبت و در افرادی که میزان دینداری والدینشان پایین بود، منفی است.

نصیرزاده و شعیری (۱۳۸۹) در پژوهشی بر روی ۱۲۲ کودک ۶ تا ۱۱ ساله نشان دادند که کودکانی که در معرض تنبیه والدین (اعم از جسمانی یا کلامی) قرار داشتند، در

1. Abar, Carter, & Winsler
2. authoritative
3. authoritarian
4. Dudley
5. Vermeer, Janssen, & Scheepers
6. Dollahite & Thatcher
7. Hoge, Johnson, & Luidens



ترسیم تصویر خداوند بیش از تصاویر انسانی، از نمادها استفاده می‌کنند. علاوه بر این، کودکان آزار دیده به دعا کردن در زمان خاص و مواقع نیاز و دعا برای نزدیکان خود تمایل بیشتری داشتند. در مقابل کودکانی که آزاری گزارش نکرده بودند به همیشه دعا کردن و دعا کردن برای آشنایان خویش و دعا برای مردم و اهداف متعالی گرایش بیشتری نشان دادند.

روش

این تحقیق از نوع تحقیقات همبستگی بود.

جامعه‌ی آماری، نمونه و روش نمونه‌گیری: جامعه‌ی آماری، شامل همه‌ی دانش‌آموزان دختر و پسر دوره‌ی راهنمایی و دبیرستان بود که در هنگام اجرای تحقیق، در شهر شیراز به تحصیل مشغول بودند. حجم نمونه‌ی مورد نیاز، بر اساس فرمول کوکران ۳۸۲ نفر محاسبه گردید که به روش خوشه‌ای چند مرحله‌ای از مدارس موجود در ناحیه‌ی یک و سه (به عنوان معرف ۴ ناحیه‌ی آموزشی)، انتخاب شدند. نمونه‌ی انتخاب شده شامل ۲۲۲ پسر و ۱۶۰ دختر بود.

ابزار:

مقیاس تجدید نظر شده‌ی الگوهای ارتباطی خانواده: برای سنجش الگوهای ارتباطی خانواده، از مقیاس تجدید نظر شده‌ی الگوهای ارتباطی خانواده^۱ (کوئرر و فیتزپاتریک، ۲۰۰۲) استفاده شد. این مقیاس دارای ۲۶ گویه است که ۱۱ گویه‌ی اول آن برای سنجش بعد همنوایی و ۱۵ گویه‌ی بعدی برای سنجش بعد گفت‌و شنود به کار می‌رود. نمره‌گذاری این پرسشنامه به صورت طیف لیکرت است و آزمودنی‌ها با انتخاب یکی از گزینه‌های خیلی کم (معادل یک) تا خیلی زیاد (معادل پنج)، مشخص می‌کنند که محتوای هر گویه تا چه اندازه در مورد خانواده‌ی آن‌ها صدق می‌کند. این مقیاس در ایران توسط کورش‌نیا (۱۳۸۵) به فارسی ترجمه و اعتباریابی شده است. هم‌چنین تحقیقات مختلف حاکی از روایی

1. revised version of Family Communication Patterns

و پایایی مناسب مقیاس در جامعه ایرانی است (به عنوان مثال: رحیمی و یوسفی، ۱۳۸۹؛ جوکار و رحیمی، ۱۳۸۶). در تحقیق حاضر برای سنجش پایایی مقیاس، از روش آلفای کرونباخ استفاده شد. نتایج حاکی از آن بود که میزان پایایی به روش ذکر شده برای بعد هم‌نوایی ۰/۸۷ و برای بعد گفت‌و شنود ۰/۹۱ است که حاکی از پایایی پذیرفتنی مقیاس بود. با توجه به تأیید روایی مقیاس در تحقیقات مختلف، در تحقیق حاضر از بررسی روایی آن صرف نظر شد.

پرسشنامه دینداری: برای سنجش میزان دینداری دانش‌آموزان، از پرسشنامه ۳۳ گویه‌ای گلاک و استارک^۱ (۱۹۶۵ به نقل از دلبری، ۱۳۸۳)، استفاده گردید. دلبری (۱۳۸۳) برای بررسی روایی پرسشنامه، از روش‌های محتوایی و سازه‌ای استفاده کرده است. مقدار ضریب آلفای کرونباخ نیز برای بعد اعتقادی ۰/۸۶، عاطفی ۰/۸۲، مناسکی ۰/۸۸، پیامدی ۰/۸۱ و برای دینداری کل ۰/۸۹ گزارش شده است. در تحقیق حاضر پایایی پرسشنامه با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ مورد بررسی قرار گرفت و مقدار ضریب آلفا برای بعد اعتقادی ۰/۷۲، بعد عاطفی ۰/۶۹، بعد مناسکی ۰/۷۸، بعد پیامدی ۰/۷۷ و برای دینداری کل ۰/۹۰ به دست آمد. با توجه به تأیید روایی پرسشنامه در تحقیقات مختلف، در تحقیق حاضر از بررسی روایی آن صرف نظر شد.

پرسشنامه دینداری والدین: برای سنجش میزان دینداری والدین، از پرسشنامه محقق‌ساخته که با الهام از پرسشنامه گلاک و استارک (۱۹۶۵ به نقل از دلبری، ۱۳۸۳) تهیه شده بود، استفاده شد. برای سنجش میزان دینداری مادر، هشت گویه (مثال: مادرم واجبات دینی را به جا می‌آورد) و برای سنجش میزان دینداری پدر دانش‌آموزان نیز هشت گویه (مثال: پدرم در زندگی روزانه بر خلاف تعالیم دینی رفتار نمی‌کند) استفاده شد. روایی پرسشنامه با استفاده از تحلیل عاملی اکتشافی بررسی شد. بدین صورت که هر ۱۶ گویه به تحلیل عاملی

¹. Glock & Stark



وارد و به روش مؤلفه‌های اصلی و چرخش واریماکس بررسی شدند. نتایج مطابق با جدول یک حاکی از آن بود که پرسشنامه تهیه شده دارای دو بعد دینداری پدر و دینداری مادر است که در مجموع ۴۹/۳۲ درصد از واریانس کل پرسشنامه را تبیین می‌کنند. در مجموع شواهد حاکی از روایی قابل قبول پرسشنامه بود.

جدول ۱. نتایج تحلیل عاملی پرسشنامه محقق ساخته دینداری والدین

۲-دینداری مادر		۱-دینداری پدر	
بار عاملی	سؤال	بار عاملی	سؤال
۰/۷۴	۱	۰/۷۱	۱
۰/۶۹	۲	۰/۷۶	۲
۰/۵۷	۳	۰/۳۴	۳
۰/۷۰	۴	۰/۷۷	۴
۰/۷۳	۵	۰/۶۰	۵
۰/۶۲	۶	۰/۷۷	۶
۰/۷۲	۷	۰/۷۵	۷
۰/۴۷	۸	۰/۶۳	۸
۲	ارزش ویژه	۵/۸۹	ارزش ویژه
۲۳/۴۵	درصد کل واریانس	۲۵/۸۷	درصد کل واریانس

برای بررسی پایایی پرسشنامه نیز از ضریب آلفای کرونباخ استفاده گردید. ضریب پایایی به روش ذکر شده برای دینداری پدر، ۰/۸۴ و برای دینداری مادر ۰/۸۳ بود که از پایایی قابل قبول پرسشنامه حکایت داشت.

برای تجزیه و تحلیل مقدماتی داده‌ها از میانگین و انحراف استاندارد و ماتریس همبستگی استفاده گردید. برای بررسی فرضیه‌های تحقیق نیز از روش رگرسیون چندگانه سلسله‌مراتبی^۱ (کرامر^۲، ۲۰۰۶) استفاده شد. به این صورت که در گام اول متغیرهای دینداری والدین و الگوهای ارتباطی و در گام دوم تعامل متغیرها

1. hierarchical multiple regression

2. Cramer

وارد معادله رگرسیون گردیدند. تحلیل‌های ذکر شده یک بار برای دختران، یک بار برای پسران و یک بار برای کل آزمودنی‌ها اجرا گردید.

یافته‌ها

جدول یک میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای تحقیق را به تفکیک جنسیت نشان می‌دهد (نمرات ابعاد بر تعداد سؤالات تقسیم شده است).

جدول ۱. میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای تحقیق به تفکیک جنسیت

کل		پسر		دختر		متغیرهای تحقیق
SD	\bar{x}	SD	\bar{x}	SD	\bar{x}	
۰/۹۳	۳/۷۰	۰/۹۰	۳/۷۹	۰/۹۵	۳/۵۶	دینداری پدر
۰/۷۵	۴/۰۹	۰/۷۶	۴/۱۴	۰/۷۳	۴/۰۲	دینداری مادر
۰/۹۴	۲/۸۹	۰/۸۹	۲/۹۳	۰/۹۹	۲/۸۴	همنوایی
۰/۹۰	۲/۹۷	۰/۸۵	۳/۱۱	۰/۹۴	۲/۷۸	گفت‌وشنود
۰/۵۱	۴/۱۶	۰/۵۲	۴/۱۶	۰/۴۹	۴/۱۵	دینداری اعتقادی
۰/۵۹	۴/۲۶	۰/۶۲	۴/۲۹	۰/۵۶	۴/۲۳	دینداری عاطفی
۰/۷۹	۳/۲۳	۰/۷۴	۳/۳۸	۰/۸۲	۳/۰۳	دینداری مناسکی
۰/۸۵	۳/۳۱	۰/۸۱	۳/۴۱	۰/۸۹	۳/۱۷	دینداری پیامدی
۰/۵۴	۳/۷۳	۰/۵۴	۳/۷۹	۰/۵۳	۳/۶۴	دینداری کل

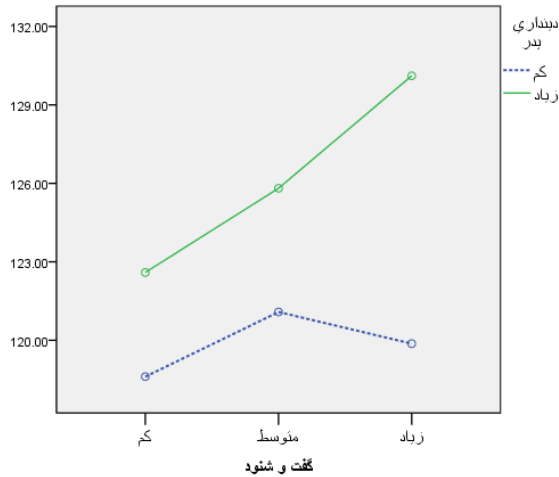
به منظور پیش‌بینی دینداری دانش‌آموزان از روی متغیرهای دینداری والدین و الگوی ارتباطی خانواده و نیز بررسی تعامل دینداری والدین و الگوهای ارتباطی خانواده، از رگرسیون چندگانه سلسله‌مراتبی استفاده شد. جدول دو نتایج حاصل از این تحلیل را نشان می‌دهد. مطابق با نتایج موجود در جدول، دینداری پدر و مادر و بعد گفت‌وشنود پیش‌بین مثبت و معنی‌داری برای دینداری دانش‌آموزان بودند. هم‌چنین تعامل دینداری پدر و بعد گفت‌وشنود، پیش‌بین مثبت و معنی‌داری برای دینداری دانش‌آموزان بود.



جدول ۲. رگرسیون چندگانه سلسله مراتبی برای پیش‌بینی دینداری کلی

مدل	متغیرهای پیش‌بین	B	β	R	R^2	T	P
۱	دینداری پدر	۰/۵۲	۰/۲۱	۰/۴۱	۰/۱۷	۳/۶۳	۰/۰۰۱
	دینداری مادر	۰/۴۷	۰/۱۶			۲/۷۵	۰/۰۰۶
	همنوایی	-۰/۰۷	-۰/۰۴			N.S.	-۰/۷۷
	گفت‌وشنود	۰/۲۱	۰/۱۶			۲/۹۶	۰/۰۰۳
۲	دینداری پدر × همنوایی	۰/۰۱	۰/۲۵	۰/۴۳	۰/۱۹	۰/۸۸	N.S.
	دینداری پدر × گفت‌وشنود	۰/۰۳	۱/۰۰			۲/۶۴	۰/۰۰۹
	دینداری مادر × همنوایی	-۰/۰۱	-۰/۱۴			N.S.	-۰/۴۵
	دینداری مادر × گفت‌وشنود	۰/۰۰	-۰/۱۱			N.S.	-۰/۲۵

برای درک بهتر تعامل، بر اساس نقاط درصدهای دینداری پدر به متغیری دو سطحی (کم و زیاد) و الگوی گفت‌وشنود به متغیری سه سطحی (کم، متوسط و زیاد) تبدیل شدند و نمودار تعاملی آن‌ها در تأثیرگذاری بر دینداری دانش‌آموزان ترسیم شد. همان‌گونه که در نمودار یک مشاهده می‌شود، در سطوح بالای دینداری پدر (خط ممتد)، هر چقدر میزان گفت‌وشنود خانواده، افزایش یابد، دینداری دانش‌آموزان نیز افزایش می‌یابد. در حالیکه در سطوح پایین دینداری پدر، افزایش در میزان گفت‌وشنود خانواده، ابتدا موجب افزایشی مختصر در دینداری دانش‌آموزان و سپس موجب کاهش در آن می‌شود به گونه‌ای که سطح متوسطی از گفت‌وشنود، بیشترین میزان دینداری را موجب می‌شود.



نمودار ۱: تعامل دینداری پدر و بعد گفت‌وشنود در تأثیرگذاری بر دینداری دانش‌آموزان

در ادامه نسبت به پیش‌بینی ابعاد مختلف دینداری دانش‌آموزان (اعتقادی، عاطفی، مناسکی و پیامدی) از روی متغیرهای دینداری والدین، الگوهای ارتباطی خانواده و تعامل بین آن‌ها، اقدام شد. جدول سه نتایج رگرسیون سلسله‌مراتبی برای پیش‌بینی بعد اعتقادی دینداری در دانش‌آموزان را نشان می‌دهد. مطابق با نتایج موجود در جدول، دینداری مادر و الگوی گفت‌وشنود، پیش‌بین مثبت و معنی‌داری برای بعد اعتقادی دینداری در دانش‌آموزان بودند. دینداری پدر، الگوی هم‌نوایی و تعامل متغیرها، پیش‌بین معنی‌داری برای دینداری اعتقادی نبودند.

جدول ۳. رگرسیون چندگانه سلسله‌مراتبی برای پیش‌بینی دینداری اعتقادی

مدل	متغیرهای پیش‌بین	B	β	R	R ²	T	P
۱	دینداری پدر	۰/۰۴	۰/۰۶	۰/۳۱	۰/۰۹	۲/۸۹	۰/۰۰۴
	دینداری مادر	۰/۱۵	۰/۱۷			۰/۶۰	N.S
	هم‌نوایی	۰/۰۲	۰/۰۳			۳/۰۹	۰/۰۰۲
	گفت‌وشنود	۰/۰۷	۰/۱۷			۱/۳۶	N.S
۲	دینداری پدر × هم‌نوایی	۰/۰۱	۰/۴۱	۰/۳۲	۰/۱	۰/۰۶	N.S
	دینداری پدر × گفت‌وشنود	۰/۰۰۱	۰/۰۳				

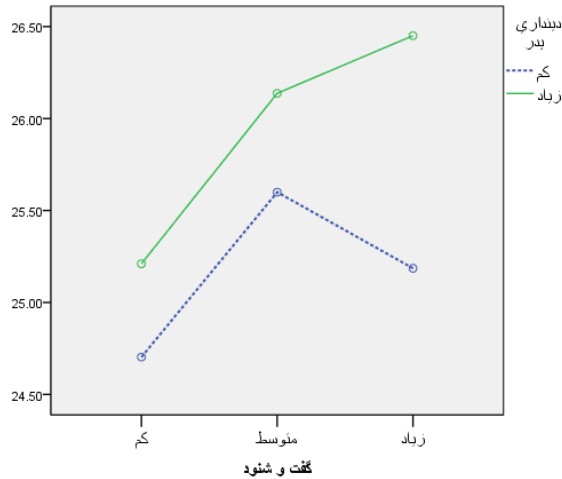


N.S	-۱/۴۷			-۰/۵۰	-۰/۰۱	دینداری مادر×همنوایی
N.S	-۰/۱۲			-۰/۰۵	-۰/۰۰۱	دینداری مادر×گفت‌وشنود

جدول چهار نتایج رگرسیون سلسله‌مراتبی را برای پیش‌بینی دینداری عاطفی در دانش‌آموزان نشان می‌دهد. مطابق با نتایج موجود در جدول، دینداری پدر و مادر و الگوی گفت‌وشنود، پیش‌بین مثبت و معنی‌داری برای بعد عاطفی دینداری در دانش‌آموزان بودند. هم‌چنین تعامل دینداری پدر و بعد گفت‌وشنود پیش‌بین مثبت و معنی‌داری برای دینداری عاطفی دانش‌آموزان دانش‌آموزان بود. همان‌گونه که در نمودار دو مشاهده می‌شود، در سطوح بالای دینداری پدر (خط ممتد)، هر چقدر میزان گفت‌وشنود خانواده، افزایش یابد، دینداری عاطفی دانش‌آموزان نیز افزایش می‌یابد. در حالی که در سطوح پایین دینداری پدر، افزایش در میزان گفت‌وشنود خانواده، ابتدا موجب افزایشی مختصر در دینداری عاطفی دانش‌آموزان و سپس موجب کاهش در آن می‌شود به گونه‌ای که سطح متوسطی از گفت‌وشنود، بیشترین میزان دینداری عاطفی را موجب می‌شود.

جدول ۴. رگرسیون چندگانه سلسله‌مراتبی برای پیش‌بینی دینداری عاطفی

مدل	متغیرهای پیش‌بین	B	β	R	R^2	T	P
۱	دینداری پدر	۰/۰۷	۰/۱۴	۰/۳۴	۰/۱۲	۲/۳۸	۰/۰۲
	دینداری مادر	۰/۱۰	۰/۱۷			۲/۹۱	۰/۰۰۴
	همنوایی	۰/۰۰۱	۰/۰۱			۰/۱۰	N.S
	گفت‌وشنود	۰/۰۴	۰/۱۳			۲/۴۵	۰/۰۱
۲	دینداری پدر×همنوایی	۰/۰۰۱	-۰/۰۴	۰/۳۷	۰/۱۳	-۰/۱۴	N.S
	دینداری پدر×گفت‌وشنود	۰/۰۰۱	۰/۸۳			۲/۱۲	۰/۰۳
	دینداری مادر×همنوایی	۰/۰۰۱	-۰/۲۴			-۰/۷۲	N.S
	دینداری مادر×گفت‌وشنود	۰/۰۰۱	-۰/۳۷			-۰/۸۵	N.S



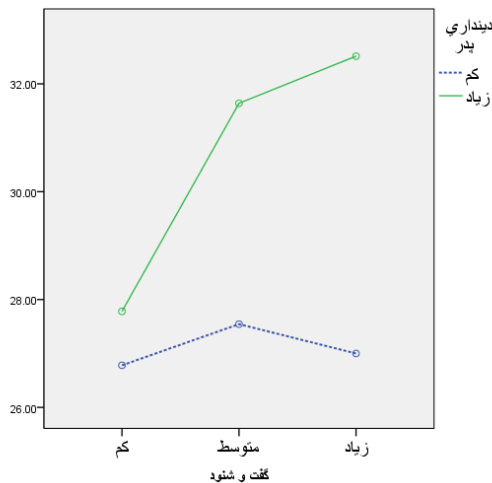
نمودار ۲. تعامل دینداری پدر و بعد گفت‌وشنود در تأثیرگذاری بر دینداری عاطفی دانش‌آموزان

جدول پنج نتایج رگرسیون سلسله‌مراتبی را برای پیش‌بینی دینداری مناسبی در دانش‌آموزان نشان می‌دهد. مطابق با نتایج موجود در جدول، دینداری پدر، دینداری مادر و الگوی گفت‌وشنود، پیش‌بین مثبت و الگوی هم‌نوایی، پیش‌بین منفی و معنی‌داری برای بعد مناسبی دینداری بود. علاوه بر این، تعامل دینداری پدر و الگوی گفت‌وشنود پیش‌بین مثبت و معنی‌داری برای بعد مناسبی دانش‌آموزان بود. همان‌گونه که در نمودار سه مشاهده می‌شود، در سطوح بالای دینداری پدر (خط ممتد)، هر چقدر میزان گفت‌وشنود خانواده، افزایش یابد، دینداری مناسبی دانش‌آموزان نیز افزایش می‌یابد. در حالی که در سطوح پایین دینداری پدر، افزایش در میزان گفت‌وشنود خانواده، ابتدا موجب افزایشی مختصر در دینداری مناسبی دانش‌آموزان و سپس موجب کاهش در آن می‌شود به گونه‌ای که سطح متوسطی از گفت‌وشنود، بیشترین میزان دینداری مناسبی را موجب می‌شود.



جدول ۵. رگرسیون چندگانه سلسله‌مراتبی برای پیش‌بینی دینداری مناسبی

مدل	متغیرهای پیش‌بین	B	β	R	R^2	T	P
۱	دینداری پدر	۰/۱۸	۰/۱۸	۰/۴	۰/۱۶	۳/۱۷	۰/۰۰۲
	دینداری مادر	۰/۲۲	۰/۱۸			۳/۲۵	۰/۰۰۱
	همنوایی	-۰/۰۸	-۰/۱۱			-۲/۱۴	۰/۰۳
	گفت‌وشنود	۰/۰۶	۰/۱۲			۲/۱۷	۰/۰۳
۲	دینداری پدر × همنوایی	۰/۰۰۱	۰/۰۹	۰/۱۹	۰/۴۳	۰/۳۲	N.S
	دینداری پدر × گفت‌وشنود	۰/۰۱	۰/۹۱			۲/۴۳	۰/۰۲
	دینداری مادر × همنوایی	۰/۰۱	۰/۳۱			۰/۹۹	N.S
	دینداری مادر × گفت‌وشنود	۰/۰۱	۰/۴۶			۱/۰۸	N.S



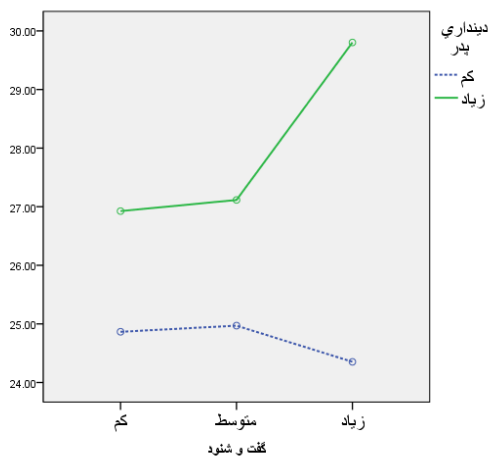
نمودار ۳. تعامل دینداری پدر و بعد گفت‌وشنود در تأثیرگذاری بر دینداری مناسبی دانش‌آموزان

جدول شش نتایج رگرسیون سلسله‌مراتبی را برای پیش‌بینی دینداری پیامدی در دانش‌آموزان نشان می‌دهد. مطابق با نتایج موجود در جدول، دینداری پدر و بعد گفت‌وشنود، پیش‌بین مثبت و معنی‌داری برای بعد پیامدی دانش‌آموزان بودند. علاوه بر این تعامل دینداری پدر و بعد گفت‌وشنود پیش‌بین مثبت و معنی‌داری برای بعد پیامدی دینداری در دانش‌آموزان بود. همان‌گونه که در نمودار چهار

مشاهده می‌شود، در سطوح بالای دینداری پدر (خط ممتد)، هر قدر میزان گفت‌وشنود خانواده افزایش یابد، دینداری پیامدی دانش‌آموزان نیز افزایش می‌یابد. در حالی که در سطوح پایین دینداری پدر، افزایش در میزان گفت‌وشنود خانواده، موجب کاهش در دینداری پیامدی می‌شود.

جدول ۶. رگرسیون چندگانه سلسله‌مراتبی برای پیش‌بینی دینداری پیامدی

مدل	متغیرهای پیش‌بین	B	β	R	R^2	T	P
۱	دینداری پدر	۰/۱۷	۰/۱۹	۰/۳۱	۰/۱	۳/۱۳	۰/۰۰۲
	دینداری مادر	۰/۱۱	۰/۱۰			۱/۶۱	N.S
	همنوایی	-۰/۰۲	-۰/۰۲			-۰/۴۴	N.S
	گفت‌وشنود	۰/۰۶	۰/۱۲			۲/۱۳	۰/۰۳
۲	دینداری پدر × همنوایی	۰/۰۱	۰/۳۳	۰/۳۶	۰/۱۳	۱/۱۳	N.S
	دینداری پدر × گفت‌وشنود	۰/۰۱	۱/۳۰			۳/۳۲	۰/۰۰۱
	دینداری مادر × همنوایی	-۰/۰۱	-۰/۴۲			-۱/۲۸	N.S
	دینداری مادر × گفت‌وشنود	-۰/۰۱	-۰/۴۸			-۱/۱۰	N.S



نمودار ۴. تعامل دینداری پدر و بعد گفت‌وشنود در تأثیرگذاری بر دینداری پیامدی دانش‌آموزان



بحث و نتیجه‌گیری

همان‌گونه که در بخش یافته‌ها ملاحظه شد، دینداری پدر و مادر پیش‌بین مثبت و معنی‌داری برای اغلب ابعاد دینداری دانش‌آموزان بود. از طرفی از بین الگوهای ارتباطی گفت‌وشنود و همنوایی، الگوی گفت‌وشنود پیش‌بین مثبت و معنی‌داری برای اغلب ابعاد دینداری دانش‌آموزان بود. الگوی همنوایی برای اغلب ابعاد دینداری، پیش‌بین معنی‌داری نبود و تنها برای بعد مناسکی پیش‌بین منفی و معنی‌داری بود.

بررسی تعامل بین متغیرها نیز حاکی از آن بود که تعامل دینداری پدر و الگوی ارتباطی گفت‌وشنود پیش‌بین مثبت و معنی‌داری برای اغلب ابعاد دینداری بود. به عبارت دیگر در خانواده‌هایی که دینداری پدر در سطح بالایی بود، با افزایش میزان گفت‌وشنود دینداری فرزندان افزایش می‌یافت؛ اما در خانواده‌هایی که دینداری پدر پایین بود، افزایش گفت‌وشنود ابتدا موجب افزایش دینداری و سپس موجب کاهش آن می‌گردید. به طوری که در سطح متوسط گفت‌وشنود، بیشترین میانگین دینداری حاصل می‌شد. علاوه بر این، دینداری مادر در پیش‌بینی دینداری مناسکی دختران و دینداری پیامدی پسران با بعد همنوایی تعامل داشت و به طور منفی آن‌ها را پیش‌بینی می‌کرد. به عبارت دیگر در خانواده‌هایی که میزان دینداری مادر پایین بود، با افزایش الگوی ارتباطی همنوایی میزان دینداری مناسکی دانش‌آموزان دختر و دینداری پیامدی دانش‌آموزان پسر به شدت کاهش می‌یافت. در حالی که در خانواده‌هایی که دینداری مادر بالا بود، این کاهش ناچیز بود. بررسی یافته‌ها به تفکیک جنسیت نیز حاکی از آن بود که دینداری پدر و مادر عمدتاً در گروه دختران توانایی پیش‌بینی ابعاد مختلف دینداری را داشت. هم‌چنین بعد همنوایی اغلب در گروه دختران پیش‌بین منفی ابعاد دینداری بود؛ در حالی که بعد گفت‌وشنود اغلب دینداری دانش‌آموزان پسر را به طور مثبت پیش‌بینی می‌کرد.

در مجموع، یافته‌ها فرضیه‌های تحقیق را تأیید کردند. درباره وجود رابطه مثبت بین دینداری والدین و فرزندان، یافته‌های این تحقیق با تحقیقات پیشین همسو بودند (اسمیت و دنتون، ۲۰۰۵؛ بویاتزیس، ۲۰۰۵؛ فلور و ناپ، ۲۰۰۱؛ اسمیت، ۲۰۰۳؛

همگی به نقل از لئونارد و همکاران، ۲۰۱۳؛ گونو و مور، ۲۰۰۲؛ اسپیلکا، هود، هانسبرگر و گورساش^۱، ۲۰۰۳ و اوربرگ^۲، ۱۹۹۹؛ همگی به نقل از باری و همکاران، ۲۰۱۰).

والدین به عنوان یکی از منابع اصلی جامعه‌پذیری کودکان، تأثیر زیادی بر رشد شخصیت فرزندان دارند و میزان دینداری فرزندان نیز از این قاعده مستثنی نیست. والدین ممکن است از طریق آموزش مستقیم به افزایش دینداری فرزندان خود کمک کنند. از طرفی فرزندان اغلب رفتار والدین را سرمشق قرار داده و الگوهای رفتاری آن‌ها را در خود جذب می‌کنند (شوارتز^۳، ۲۰۰۶). علاوه بر این ممکن است والدین به شکل غیرمستقیم‌تری چگونگی تعامل فرزندان خود را با اجتماعات مذهبی تحت تأثیر قرار دهند که به نوبه خود موجب تقویت اصول و رفتارهای مذهبی آنان می‌شود (بارتکوسکی، زو و لوین^۴، ۲۰۰۸).

درباره نقش الگوهای ارتباطی در پیش‌بینی دینداری دانش‌آموزان نیز یافته‌های این تحقیق با تحقیقات پیشین همسو بود. به عنوان مثال مطالعات نشان داده‌اند سبک فرزندپروری مقتدر (که در آن والدین علاوه بر توجه به نیازهای کودکان و برخورد محبت‌آمیز با آنان، انضباط و کنترل معقولی برقرار می‌کنند) با دینداری فرزندان رابطه مثبت و سبک فرزند پروری مستبد، با دینداری فرزندان رابطه منفی داشتند (ابار و همکاران، ۲۰۰۹). دادلی (۱۹۷۸ به نقل از ورمیر و همکاران، ۲۰۱۲) دریافت که حتی در خانواده‌های مذهبی، شیوه‌های خشن و استبدادی فرزند پروری با تعهد مذهبی فرزندان، رابطه منفی دارد. معلوم شده است ارتباطات باز و دوجانبه که در آن به دیدگاه‌های فرزندان احترام گذاشته می‌شود، می‌تواند موجب افزایش ایمان نوجوانان شود (دولاهیت و تات‌چر^۵، ۲۰۰۸). از طرفی نوجوانانی که والدین آن‌ها برای جامعه‌پذیری از نیروی اجبار استفاده می‌کنند، کمتر محتمل است که در بزرگسالی به انجام اعمال مذهبی مبادرت ورزند (هوگ^۶ و همکاران، ۱۹۹۳؛ به نقل از باری و پادیلایا-والکر، ۲۰۱۲). لئونارد و

¹. Spilka, Hood, Hunsberger, & Gorsuch

². Urberg

³. Schwartz

⁴. Bartkowski, Xu & Levin

⁵. Dollahite & Thatcher

⁶. Hoge



همکاران (۲۰۱۳) به بررسی میزان دینداری نوجوانان و ارتباط آن با دینداری والدین پرداختند. یافته‌ها نشان داد میزان دینداری نوجوانان با دینداری والدین همبستگی داشت. با این حال حمایت والدین و روابط پویای والد-فرزندی بیشتر از میزان دینداری والدین در دینداری فرزندان مؤثر بود. باری و همکاران (۲۰۱۲) نیز بین کیفیت رابطه با مادر و ایمان مذهبی دانشجویان رابطه مثبت و معنی‌داری یافتند. علاوه بر این، نتایج این بخش از تحقیق با تحقیق صادقی و همکاران (۱۳۸۵) و نصیرزاده و شعیری (۱۳۸۹) همسو بود.

والدینی که از الگوهای ارتباطی مؤثر نظیر گفت‌وشنود استفاده می‌کنند، زمینه را برای رشد همه‌جانبه کودکان فراهم می‌کنند. انگیزه‌های دینی کودکان و نوجوانان متعلق به این خانواده‌ها که تحت تأثیر کنجکاوی‌های درونی و در نتیجه مواجهه مداوم با مسایل مذهبی از طریق عوامل اجتماعی (خانواده، رسانه، مدرسه، محله، همسالان و نظایر آن) ایجاد می‌شود، در این خانواده‌ها پاسخ مناسبی دریافت کرده و به شکل‌گیری رفتارها و باورهای دینی در آنان منجر می‌شود. در حالی که استفاده از الگوهای ناکارآمد ارتباطی (نظیر الگوی همنوایی)، ممکن است انگیزه‌های درونی کودکان برای دنبال کردن آموزه‌های دینی را تخریب کرده و به دلیل تحمیل باورها و ارزش‌ها به آنان، مانع از جذب فعال اندیشه‌ها و باورهای دینی شود. این احتمال نیز وجود دارد که والدین دیندار، از الگوهای ارتباطی مؤثرتری برخوردار باشند. به عنوان مثال یک بخش فزاینده از ادبیات (ویل کاکس^۱، ۲۰۰۲ به نقل از باری و همکاران، ۲۰۱۰) نشان می‌دهد که پدران مذهبی در مقایسه با پدران غیرمذهبی بیشتر در زندگی خانوادگی و نقش‌های والدینی درگیر می‌شوند. گفتنی است در تحقیق حاضر نیز مطابق با ماتریس همبستگی، بین دینداری پدر و مادر با الگوی ارتباطی گفت‌وشنود، رابطه مثبت و معنی‌داری وجود داشت؛ هر چند دینداری والدین با بعد همنوایی رابطه معنی‌داری نداشت.

سرانجام در این تحقیق، تعامل معنی‌داری بین الگوی گفت‌وشنود و دینداری پدر مشاهده گردید. هم‌چنین دینداری مادر نیز با الگوی همنوایی در پیش‌بینی بعد مناسکی دختران و بعد پیامدی پسران تعامل داشت. ورمیر و همکاران (۲۰۱۲) نشان داده‌اند که

دینداری والدین می‌تواند موجب روابط گرم و مثبت بین والدین-فرزندان شود که به نوبه خود انتقال ارزش‌های دینی بین والدین و فرزندان را تسهیل می‌کند. بائو، ویت‌بک، هویت و کانگر^۱ (۱۹۹۹) دریافتند هر قدر والدین پذیرش بیشتری نسبت به فرزندان خود داشته باشند، انتقال باورها و اعمال مذهبی بهتر صورت می‌گیرد. هم‌چنین لین و کلاودی^۲ (۱۹۹۹) در بررسی دانشجویان دختر دریافته‌اند که گرمی رابطه والد-فرزندی با شباهت بین ارزش‌های والدین و فرزندان همراه است.

یافته‌های این بخش از تحقیق شواهدی در تأیید نظریه خودتعیینگری محسوب می‌شوند. مطابق با این نظریه، درونی‌سازی ارزش‌ها و اعمال دیگران مستلزم وجود رابطه‌ای است که در آن فرد احساس کند به او توجه شده است و وی دارای اهمیت است و هم‌چنین، او نسبت به طرف مقابل احساس تعلق و دلبستگی داشته باشد؛ به گونه‌ای که نیاز روان‌شناختی او به ارتباط ارضا گردد. هم‌چنین درونی‌سازی مستلزم حداقلی از احساس استقلال و شایستگی در رابطه با موضوع است (ریان و دسی، ۲۰۰۹). به طور جالبی الگوی هم‌نواپی که در صدد اعمال کنترل بر ارزش‌ها و باورهای اعضای خانواده است، اغلب با پیامدهای منفی دینداری همراه بود. یافته‌های این پژوهش، تلویحات مهمی برای والدین، معلمان و مربیان تعلیم و تربیت دینی دارد. به عبارت دیگر نمی‌توان انتظار داشت با اعمال روش‌های کنترلی، پیامدهای مثبتی در زمینه دینداری حاصل شود.

از طرفی یافته‌های این تحقیق سؤالاتی را ایجاد کرد که پاسخ‌دهی به آن‌ها می‌تواند برای پژوهشگران آتی زمینه تحقیقاتی مناسبی باشد. در تحقیق حاضر، دینداری پدر با بعد گفت‌و شنود تعامل داشت و دینداری مادر با بعد هم‌نواپی. در مورد دلایل این یافته‌ها اظهار نظر قطعی نمی‌توان داشت؛ اما این یافته‌ها نقش متفاوت پدر و مادر را در تربیت دینی فرزندان نشان می‌دهد که مستلزم بررسی‌های بیشتر است. این احتمال وجود دارد که پدران کمتر به تشویق مستقیم فرزندان برای رعایت موازین دینی می‌پردازند یا به دلیل مشغله‌های متعدد، وقت کمتری با فرزندان خود می‌گذرانند. بنابراین وجود الگوی

1. Bao, Whitbeck, Hoyt & Conger

2. Lynn & Claudia



گفت‌وشنود، باعث می‌شود فرزندان بهتر در جریان عقاید و باورهای مذهبی پدران قرار گیرند. از طرف دیگر وجود الگوی هم‌نواپی در صورتی بیشترین تأثیر مخرب بر دینداری را دارد که مادر از دینداری کمی برخوردار باشد. احتمالاً در این خانواده‌ها، پدر مرجع قدرت خانواده بوده و ارزش‌های خود را که عمدتاً غیر دینی هستند، دیکته می‌کند. حال در صورتی که مادر از دینداری بالایی برخوردار باشد، آسیب کمتری به تربیت دینی فرزندان وارد می‌شود؛ در حالی که وقتی مادر نیز از دینداری کمی برخوردار است، نمی‌تواند حمایت مذهبی مناسبی از فرزندان به عمل آورد و میزان دینداری فرزندان به شدت کاهش می‌یابد. بنابراین پیشنهاد می‌شود چگونگی جامعه‌پذیری دینی توسط پدر و مادر به صورت مجزا بررسی شود.

نکته قابل توجه دیگر این که دینداری دختران، اغلب با استفاده از دینداری والدین به خوبی پیش‌بینی می‌شود؛ اما دینداری پسران، چندان تحت تأثیر دینداری والدین قرار نمی‌گرفت و اغلب با الگوی ارتباطی گفت‌وشنود پیش‌بینی می‌شد. علاوه بر این بعد هم‌نواپی تنها در دانش‌آموزان دختر قادر به پیش‌بینی دینداری بود. بنابراین به نظر می‌رسد در جامعه‌پذیری دینی دختران و پسران تفاوت‌هایی وجود دارد به طوری که در هر یک از این گروه‌ها عوامل متفاوتی قادر به پیش‌بینی دینداری هستند. بنابراین پیشنهاد می‌شود منابع جامعه‌پذیری دینی (پدر، مادر، دوستان و همسالان، مدرسه، رسانه‌ها) دختران و پسران به تفکیک بررسی گردد تا مشخص شود در هر گروه چه عواملی بیشترین تأثیر را بر میزان دینداری دارند. دلایل تأثیرگذاری الگوهای ارتباطی والدین بر دینداری فرزندان نیز نیازمند بررسی و تعمق بیشتر است و لازم است مشخص شود الگوهای ارتباطی خانواده از طریق چه سازوکارهایی تأثیر خود را بر دینداری فرزندان اعمال می‌کنند. به عنوان مثال می‌توان میزان ارضای نیازهای اساسی روان‌شناختی (ریان و دسی، ۲۰۰۹) را به عنوان یکی از واسطه‌های احتمالی بررسی کرد. هم‌چنین، بررسی الگوهای ارتباطی والدینی که دینداری آن‌ها کم یا زیاد است، نیز می‌تواند در روشن شدن دلایل وجود رابطه بین الگوهای ارتباطی و دینداری فرزندان راهگشا باشد.

یکی از محدودیت‌های این تحقیق، نبود رغبت کافی دانش‌آموزان پسر برای تکمیل پرسشنامه بود که می‌تواند دقت یافته‌ها را در گروه پسران تحت تأثیر قرار دهد. هم‌چنین با توجه به این که آزمودنی‌های این تحقیق، تنها شامل دانش‌آموزان راهنمایی و دبیرستان بوده‌اند، در تعمیم یافته‌ها به دیگر گروه‌ها، لازم است احتیاط شود. ماهیت همبستگی پژوهش، تفسیر علی از یافته‌ها را ناممکن می‌ساخت. بنابراین در تفسیر علی یافته‌ها لازم است با احتیاط عمل شود. گردآوری داده درباره دینداری والدین از طریق فرزندان صورت گرفت و ممکن است ارزیابی دینداری والدین به صورت مستقیم، به نتایج متفاوتی منجر شود.

تشکر و قدردانی

از مسئولین محترم شورای تحقیقات پژوهشکده معلم، مسئولین نواحی دو و چهار و معلمان علاقمند و دانش‌آموزان عزیزی که با صبر و حوصله به تکمیل پرسشنامه‌ها پرداختند تشکر و قدردانی می‌کنم.

منابع

- توسلی، غلامعباس و مرشدی، ابوالفضل (۱۳۸۵). بررسی سطح دینداری و گرایش‌های دینی دانشجویان: مطالعه موردی دانشگاه صنعتی امیرکبیر. مجله جامعه‌شناسی ایران، ۷ (۴)، ۹۶-۱۱۸.
- جوکار، بهرام و رحیمی، مهدی (۱۳۸۶). تأثیر الگوهای ارتباطی خانواده بر شادی در گروهی از دانش‌آموزان دبیرستانی شهر شیراز. فصلنامه روان‌پزشکی و روانشناسی بالینی ایران، ۱۳ (۴)، ۳۷۶-۳۸۴.
- دلبری، محمد (۱۳۸۳). بررسی رابطه بین دینداری و نگرش نسبت به دموکراسی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد: دانشگاه شیراز.
- رحیمی، مهدی و یوسفی، فریده (۱۳۸۹). نقش الگوهای ارتباطی خانواده در همدلی و خویشنداری فرزندان. فصلنامه خانواده‌پژوهی، ۶ (۲۴)، ۴۳۳-۴۴۷.
- صادقی، منصوره السادات؛ مظاهری، محمد علی و حیدری، محمود (۱۳۸۵). میزان مذهبی بودن والدین، منابع متفاوت شناخت دینی و تصور از خدا. فصلنامه خانواده‌پژوهی، ۲ (۶)، ۱۷۷-۱۹۱.



کوروش‌نیا، مریم و لطیفیان، مرتضی. (۱۳۸۵). بررسی روایی و پایایی ابزار تجدید نظر شده الگوهای ارتباطات خانواده. فصلنامه خانواده‌پژوهی، ۳(۱۲)، ۸۵۵-۸۷۵.

نصیرزاده، راضیه و شعیری، محمدرضا. (۱۳۸۹). رابطه ادراک کودکان از خشونت والدین در فرزندپروری و باورهای مذهبی کودکان. تحقیقات علوم رفتاری، ۸(۱)، ۵۷-۶۸.

Abar, B., Carter, K.L. & Winsler, A. (2009). The effects of maternal parenting style and religious commitment on self-regulation, academic achievement, and risk behavior among African-American parochial college students. *Journal of Adolescence*, 32, 259-273.

Bao, W., Whitbeck, L.B., Hoyt, D.R. & Conger, R. D. (1999). Perceived Parental Acceptance as a Moderator of Religious Transmission among Adolescent Boys and Girls, *Journal of Marriage and Family*, 61(2), 362-374.

Barry, C.M., & Padilla-Walker, L.M. (2012). The Role of Mothers and Media on Emerging Adults' Religious Faith and Practices by Way of Internalization of Prosocial Values. *Journal of Adult Development*, 19, 66-78.

Barry, C.M., Nelson, L., & Davarya, S. (2010). Religiosity and spirituality during the transition to adulthood. *International Journal of Behavioral Development*, 34(4), 311-324.

Bartkowski, J. P., Xu, X., & Levin, M. L. (2008). Religion and child development: Evidence from the early childhood longitudinal study. *Social Science Research*, 37(1), 18- 36.

Cramer, Duncan. (2006). *Advanced quantitative data analysis*. Open University press. Maidenhead. Philadelphia.

Dollahite, D. C., & Thatcher, J. Y. (2008). Talking about religion: How highly religious youth and parents discuss their faith. *Journal of Adolescent Research*, 23, 611- 641.

Hardy, S. A., White, J. A., Zhang, Z., & Ruchty, J. (2011). Parenting and the socialization of religiousness and spirituality. *Psychology of Religion and Spirituality*, 3, 217-230.

Knee, C.R., Hadden, B.W., Porter, B. & Rodriguez, L.M. (2013). Self-Determination Theory and Romantic Relationship Processes, *Personality and Social Psychology Review*, 17, 307-324.

Koerner, A. & Fitzpatrick, M.A. (2002). Understanding family communication patterns and family functioning: The roles of conversation orientation and conformity orientation. *Communication Year Book*, 28, 36-68.

Koerner, A. F., & Fitzpatrick, M. A. (2006). Family communication patterns theory: A social cognitive approach. In D. O. Braithwaite & L. A. Baxter (Eds.), *Engaging theories in family communication: Multiple perspectives* (pp. 50-65). Thousand Oaks, CA: Sage.

- Leonard, K.C., Cook, K.V., Chris, J.B., Kimball, C.N. & Flanagan, K.S. (2013). Parent-Child Dynamics and Emerging Adult Religiosity: Attachment, Parental Beliefs, and Faith Support. *Psychology of Religion and Spirituality*, 5 (1), 5–14.
- Lynn, O. & Claudia, B. (1999). Transmission of religious values: Relations between parents' and daughters' beliefs. *The Journal of Genetic Psychology*, 160 (3), 303-318.
- Mazidi, M. & Ostovar, S. (2006). Effect of religion and type of religious internalization on the mental health of Iranian adolescents. *Perceptual and Motor Skills*, 103 (301-306).
- Ng, J.Y.Y., Ntoumanis, N., Thøgersen-Ntoumani, C., Deci, E.L., Ryan, R.M., Duda, J.L. & Williams, C.C. (2012). Self-Determination Theory Applied to Health Contexts: A Meta-Analysis, *Perspectives on Psychological Science*, 7(4) 325 –340.
- Rodriguez, R. J. & Cavendish, W. (2012). Differences in the Relationship Between Family Environments and Self-Determination Among Anglo, Latino, and Female Students With Disabilities. *Career Development and Transition for Exceptional Individuals*, 36, 152-162.
- Ryan, R.M. & Deci, E.L. (2009). Promoting Self-Determined School Engagement: Motivation, Learning, and Well-Being. In *Handbook of Motivation at School*, Edited By Wentzel, K.R. & Wigfield, A., Tylor and Francis.
- Samek, D., Rueter, R., & Martha, A. (2011). Associations Between Family Communication Patterns, Sibling Closeness, and Adoptive Status. *Journal of Marriage and Family*, 73 (5), 1015-1031.
- Schwartz, K. D. (2006). Transformations in parent and friend faith support predicting adolescents' religious belief and commitment. *The International Journal for the Psychology of Religion*, 16, 311–326.
- Vermeer, P., Janssen, J. & Scheepers, P. (2012). Authoritative Parenting and the Transmission of Religion in the Netherlands: A Panel Study. *The International Journal for the Psychology of Religion*, 22, 42–59.